

## عنوان مقاله:

نمادهای آمیزه مفهومی در حکایت‌های کلیله و دمنه بر اساس نظریه فوکونیه و ترنر

## محل انتشار:

مجله لسان مبین، دوره 12، شماره 41 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

نعیم عموری - دانشگاه شهید چمران اهواز

فاطمه تختی - دانشگاه شهید چمران اهواز

## خلاصه مقاله:

نظریه آمیزه مفهومی به ذهن این امکان را می‌دهد که فضاهای ذهنی متعدّد و مرتبط با هم را که معانی مختلفی دارند به کار گیرد. سپس آن‌ها را با یکدیگر ترکیب کند و این معانی مختلف را به شیوه‌ای کارآمد و درست بررسی کند و به شبکه معنایی تشکیل‌دهنده فضاهای ذهنی دست‌یابد. در بیشتر حکایت‌های کلیله و دمنه آمیزه مفهومی برجسته است و تفکر و خیال نویسنده در آن نقشی بنیادین بازی می‌کند. شبکه معنایی شخصیت‌پردازی حکایت‌های کلیله و دمنه، تلفیقی از عناصر و ویژگی‌های فضاهای ناسازگار است و آمیزش این فضاها با هم، معانی و ساختاری نوظهور را در ذهن ایجاد می‌کند. از این رو این پژوهش در پی شناسایی و بازنمایی نمادهای آمیزه مفهومی حکایت‌های کلیله و دمنه بر اساس نظریه فوکونیه و ترنر، به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است. بیشترین تأکید مقاله بر فرایندهای «ترکیب، تکمیل و پیچیدگی»، واپس‌فکنی، اصل دسترسی و روابط حیاتی نقش-ارزش است؛ زیرا این فرایندها بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری آمیزه مفهومی این حکایت‌ها دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین نمود آمیزه مفهومی حکایت‌های کلیله و دمنه تلفیقی از فضاهای ناسازگار (انسان و حیوان)، (انسان و شیطان) و (انسان و موجودات طبیعی) است. همه عناصر موجود در فضاهای ناسازگار به فضای آمیزه فرافکنی نمی‌شوند، بلکه انتخاب صورت می‌گیرد، و این انتخاب از آمیزه‌های به آمیزه دیگر متفاوت است، بنابراین نمادهای آمیزه مفهومی متنوعی پدیدار می‌شود.

## کلمات کلیدی:

کلیله و دمنه، معناشناسی شناختی، آمیزه مفهومی، فوکونیه و ترنر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1149568>

